



سفر نازنین به دنیای مواد

by mehdi shafiai



نازنین، دختر کوچولوی باحجاب، با لبخندی بر لب، در کلاس درس منتظر بود. معلم مهربانش، خانم پروانه، با شوق وارد شد و به بچه‌ها گفت: "امروز به یک سفر هیجان‌انگیز می‌رویم!" همه بچه‌ها هیجان‌زده شدند.



نازنین و دوستانش با کمک خانم پروانه، وارد یک دنیای
رنگارنگ شدند. دنیایی که در آن، جامدات، مایعات و گازها با هم
زندگی می‌کردند. همه چیز درخشان و پر از شگفتی بود.



اولین ملاقات، با شخصیت جامد بود؛ یک مکعب بزرگ و خوشرنگ. مکعب به نازنین گفت: "من شکل ثابتی دارم و نمیتوانم تغییر کنم!" نازنین با او بازی کرد و از سختی‌اش فهمید.



سپس، نازنین با مایع آشنا شد؛ یک قطره آب زنده و بازیگوش.
قطره به او گفت: "من می‌توانم به هر شکلی درآیم!" نازنین با قطره آب
بازی کرد و دید که چگونه می‌تواند جاری شود.



در مرحله بعد، نازنین با گاز آشنا شد؛ یک حباب بزرگ و
"خنده‌رو. حباب گفت: "من نامرئی هستم و در همه جا پخش می‌شوم
نازنین با حباب بازی کرد و از سبکی‌اش لذت برد



نازنین با هر کدام از این شخصیت‌ها بازی کرد و تفاوت‌هایشان را کشف کرد. او یاد گرفت که جامدات شکل ثابتی دارند، مایعات جاری می‌شوند و گازها نامرئی هستند.



خانم پروانه به نازنین توضیح داد که هر چیزی در اطراف ما از این سه حالت تشکیل شده است. او به بچه‌ها مثال‌های زیادی زد و بچه‌ها با دقت گوش می‌دادند.



،نازنین و دوستانش با خوشحالی، با جامدات، مایعات و گازها
یک نقاشی بزرگ کشیدند. در این نقاشی، همه چیز به زیبایی با هم
ترکیب شده بود.



نازنین، با لبخند، به خانم پروانه گفت: "حالا می‌دانم که مواد چه ویژگی‌هایی دارند!" خانم پروانه با افتخار سرش را تکان داد و به او لبخند زد.



در پایان سفر، نازنین و دوستانش به دنیای واقعی بازگشتند. اما آن‌ها دیگر مثل قبل نبودند. آن‌ها با دانش جدیدشان، با دنیای اطراف خود، با دیدی متفاوت نگاه می‌کردند.